

ویژگی ارگاتیو، صرف اسم و برخی واژگان گویش سیدانی در سنجش
با زبان سیوندی

پدید آورندگان

سحر رستگاری نژاد

کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های ایرانی باستان

رایانامه: S_rastegari_nejad@yahoo.com

محمد رضا محسنی حقیقی

نویسنده، پژوهش‌گر و شاعر

رایانامه: Info@rezamohseni.ir

چکیده

شهر سیدان واقع در بخش سیدان شهرستان مرودشت استان فارس، با دارا بودن جمعیت نزدیک به ۳۰ هزار تن (سرشماری ۱۳۸۵) در یک منطقه‌ی ویژه‌ی تاریخی دارای مردمانی با با گویش ویژه به نام گویش سیدانی است. با بررسی دستور زبان این گویش نشانه‌هایی از ارگاتیو دیده می‌شود. همچنین در برخی موارد در دستور زبان این گویش اسم صرف می‌شود. در بیشتر مواقع در گویش سیدانی حرف‌های اضافه به جای یکدیگر به کار می‌روند. در این گویش به شماری از ویژگی‌های دستوری منحصر به فرد برمی‌خوریم.

در ضمن برخی از واژه‌هایی که در گویش سیدانی به کار می‌رود تنها اختصاص به این گویش داشته و نشانه‌هایی از ریشه‌های هندواروپایی و برخی دیگر از آن‌ها با تغییرات اندک از زبان‌های فارسی میانه به یادگار مانده است.

واژگان کلیدی: سیدان، گویش سیدانی، فارسی میانه، ارگاتیو، صرف اسم

پیش‌گفتار

سیدان در میان چند سازه و منطقه‌ی باستانی ثبت‌شده به عنوان میراث جهانی یونسکو واقع شده که آثاری از تمدن‌های مهم ایلامی، هخامنشی، اشکانی و ساسانی را در خود جای داده است. فاصله‌ی سیدان تا تخت‌جمشید ۱۰، تا نقش‌رستم و شهر استخر ۵، تا پاسارگاد ۶۰ و تا نقش رجب ۱۵ کیلومتر است. مردم سیدان به زبان فارسی و گویش سیدانی سخن می‌گویند. سیدان نزدیک‌ترین شهر با فاصله کمتر از ۱۰ کیلومتر به شهر سیوند است. مردم سیوند به گویشی شگفت‌انگیز سخن می‌گویند که از گذشته‌های دور توجه شماری از دانش‌مندان و زبان‌شناسان را به خود جلب کرده است.

شماری از شرق‌شناسان همچون آندریاس (آندریاس ۱۹۳۹: ۱۶)، لنتس (لنتس ۱۹۲۶: ۲۸۸)، میه (میه ۱۹۳۱: ۱۰) و مایرهور (مایرهور ۱۹۶۹: ۵) گویش سیوندی را دنباله‌ی گویش مادی (هم‌خانواده با کردی، گیلکی، تاتی، مازنی و بلوچی) و سیوند را به‌گونه‌ای جزیره‌ی زبان مادی در پارس دانسته‌اند. همچنین برخی مانند لکوک (لکوک ۱۳۸۳: ۵۶۴) زبان سیوندی را مربوط به مرکز ایران و مشابه با گویش‌های ناحیه‌ی کاشان و محلات دانسته‌اند. در نتیجه گویش سیدانی نیز باتوجه به تأثیرات احتمالی دارای اهمیت ویژه است.

در باغ لردی سیدان سنگ‌نبشته‌ای به زبان پارسی‌میانه مربوط به یک آرامگاه یافت شده است که برگردان آن بدین شرح است:

«توسر پسر بیچاره بدبخت فرخ زاد دادویه (دادبه) در ماه فروردین و روز دی به دین، فرخ هرمزد انوشیروان (مرحوم) بود (شد). گران مست (بیداد بسیار) در همان سال، ماه تیر و روز آسمان بر هرمز داد بود (شد). این مست گران، بر پیران سر، بر فرخ زاد بود (شد).». (اسپرنگلینگ ۱۹۵۳: ۱۳)

همچنین سیدان دارای مکان‌های تاریخی است که کاوش‌های علمی در آن‌ها به انجام نرسیده ولی با توجه به بازدیدهایی که از منطقه انجام شده و مشاهده‌ی مواردی مانند سنگ ستون‌های شکسته که دارای حجاری‌های هخامنشی هستند و در منطقه رها شده‌اند می‌توان گمان برد که این منطقه، دارای ارزش تاریخی است. از جمله گردشگاه‌هایی که هم‌اکنون مورد بازدید گردشگران قرار می‌گیرد می‌توان از حوض ماهی (مورنجان)، چهل‌دختران، قصرغلات (غرغلا)، باغ بُدره و سرآسیاب یاد کرد.

درباره‌ی نام «سیدان» تکه‌هایی پازل‌گونه به‌دست آورده‌ایم که شاید تبار مردم سیدان را به قوم ایرانی‌زبان کُرد در شمال‌غربی ایران برساند. البته این فرضیه نیاز به پژوهش‌های بیش‌تری دارد و ما در این‌جا تنها به چند نشانه در این زمینه اشاره می‌کنیم.

۱- مادی بودن زبان سیوندی و مشترکات آن با سیدانی و مادی بودن زبان کردی ۲- وجود قومی با نام ایزدی یا کُرد یزیدی (ایزدی) در بخش سیدان ۳- وجود روستایی از توابع بخش مرکزی شهرستان بیجار در استان کردستان ایران، به نام سیدان ۴- وجود عشیره‌ی «هَرکی» در بخش کردستان ایران، ترکیه و عراق متشکل است از سه طایفه‌ی سیدان، مندان و سرهاتی (ایلات و عشایر ایران ۱۹۶۳: ۱۲۰) که به زبان کُرمانجی از زبان‌های ایرانی شاخه شمال‌غربی (ویندفر ۱۹۷۵، پاول ۲۰۰۸) سخن می‌گویند.

مردمان سیدان دارای گویشی ویژه خود هستند که به گویش سیدانی مشهور است. سیدان بزرگترین شهر نزدیک به سیوند است. گویش سیوندی به دلیل دسته‌بندی شدن در خانواده زبان‌های ایرانی شمال و شمال غرب از گذشته‌های دور مورد توجه زبان‌شناسان ایرانی و غیر ایرانی بوده است. گویش سیوندی و گویش سیدانی به دلیل نزدیک بودن منطقه‌ی جغرافیایی احتمالاً از یکدیگر تأثیر پذیرفته‌اند. باوجود اینکه درباره‌ی گویش سیوندی پژوهش‌های فراوانی انجام پذیرفته ولی در زمینه‌ی گویش سیدانی تاکنون پژوهش معتبری انجام نگردیده است. این در حالی است که به دلیل نزدیکی شهر سیدان و سیوند و تأثیرپذیری احتمالی این دو زبان و گویش از یکدیگر، گویش سیدانی دارای اهمیت قابل توجهی است.

در این جستار کوشیده شده است که دستور زبان سیدانی و نکات دارای اهمیت آن و ویژگی‌های دستوری بازمانده از زبان‌های باستانی ایرانی مانند پارسی باستان و اوستایی و زبان‌های ایرانی دوره‌ی میانه مانند پارتی و فارسی میانه بررسی و سنجیده شده و یک واژه‌نامه از واژه‌های متفاوت با زبان فارسی معیار و گویش‌های پیرامونی، جهت تجزیه و تحلیل گردآوری و درج گردیده است.

بررسی ویژگی‌های دستور زبانی سیدانی

صرف شدن اسم

شباهت گویش سیدانی و ریشه گرفتن آن از زبان‌های ایرانی باستان در این ویژگی دستوری به این‌گونه است که زبان‌های ایرانی باستان نیز، با افزوده شدن پسوندی به پایان اسم صرف شده و حالت‌های گوناگون در جمله می‌گرفته‌اند.

در زیر به چند نمونه از این پرسمان اشاره می‌کنیم:

واژه‌ی X^ˆarənah- در جمله زیر حالت مفعولی دارد:

Uyṛəm kavaēm x^ˆarənō mazdaδātəm yazamaide.

فره کیانی نیرومند مزدا داده را می‌ستاییم. (یشت ۱۹، بند ۹)

مفعول بی واسطه

در گویش سیدانی به ویژگی دستور زبانی صرف اسم که بازمانده از دوره باستانی زبان‌های ایرانی است برمی‌خوریم. در این گویش، مفعول بی واسطه مشخص، صرف شده و با گرفتن پسوند -e شناخته می‌شود. برای نمونه:

bošqābe šokond. بشقاب را شکست.

Deraxte ow bidi. درخت را آب بده.

Divāre taketom kerd. دیوار را ویران کرد.

Ketābe xondi کتاب را خواندی.

البته این ویژگی، در حالت جمع، ضمیرهای شخصی و واژه هایی که به -ag دوره میانه زبان فارسی ختم می شوند، با آمدن حرف n به صورت میانجی و گرفتن پسوند ne شناسانده می شود. برای نمونه:

Xodā Tone berey čiči āfarid.

خدا تو را به چه دلیل آفرید.

Mane bokoši

من را بکشی.

Bačane vel mikone mire

بچه را رها می کند و می رود.

Zane mikoše

زن را می کشد.

jame doniyāne mizade

همه دانش های دنیا را می دانسته است.

Ali hamey šāxey deraxtāne šokondey bid

علی همه شاخه های درختان را شکسته بود.

bowbak ganji āxore omri hamey dardāne giroft uso mord.

بابک گنجی آخر عمری همه دردها را گرفت آنگاه مرد.

Zāake mārduš uso ke hamle kerd eirān, hamane a dam košt

ضحاک ماردوش آنگاه که به ایران حمله کرد همه را از دم کشت.

در زبان سیوندی به وارونه‌ی گویش سیدانی به صرف اسم برنمی‌خوریم و این دو گویش و زبان همجوار از این دیدگاه تأثیری روی یکدیگر نداشته‌اند. یعنی گویش سیدانی از زبان‌های باستانی ایران این ویژگی را تا امروز نگاه داشته ولی زبان سیوندی همانند زبان فارسی امروزی دارای این ویژگی نیست. برای روشن شدن مطلب همان نمونه‌های گویش سیدانی را به زبان سیوندی بازگویی می‌کنیم:

Xodā Terā barey či āfarideš.

خدا تو را به چه دلیل آفرید.

Bere Merā bokoš.

من را بکشی.

eyāle veleş kerdān šiyān.

بچه را رها می‌کند و می‌رود.

žanešā kešteš

زنش را کشت.

jame doniyā rā mizade.

همه دانش‌های دنیا را می‌دانسته است.

Ali hamu šāxegare eškendeše.

علی همه شاخه‌های درختان را شکسته بود.

bowbak ganji āxore omri hamu dardgare gorteš merd.

بابک گنجی آخر عمری همه دردها را گرفت آنگاه مرد.

همان گونه که می‌بینیم در زبان سیوندی نشانه‌ی جمع *gar* – است ولی در گویش سیدانی نشانه‌ی جمع همان «ها» در فارسی امروزی است که به صورت اختصار *ā* – به‌کار برده می‌شود.

مفعول با واسطه

در این گویش حرف های اضافه در بیشتر مواقع نسبت به زبان فارسی به جای یکدیگر به کار می‌روند. برای نمونه:

۱- به جای حرف اضافه «به» از حرف اضافه «از» بهره برده می شود.

Hamey kārāne dādan a mā

همه کارها را به ما داده‌اند.

Da bale azet goftam i čiyāne nabar.

ده بار به تو گفتم این چیزها را نبر.

a e/azi bugu

به او بگو

۲- به جای حرف اضافه «به» حرف اضافه «با» به‌کار برده می شود.

bā to marbuti ni

به تو مربوط نیست.

Fuzuliš bā to nowmade.

فضولی‌اش به تو نیامده است.

Bā to čče.

به تو چه

۳- به جای حرف اضافه با «از» حرف اضافه «به» استفاده می شود.

Be hamam jar mikerd.

با همه هم دعوا می کرد.

Rostam be hamam mijangid.

روستم با همه هم می جنگید.

در بیشتر مواقع به جای حرف اضافه «با» از واژه «خود» بهره گرفته می شود که این ویژگی درباره‌ی جانداران و اشیا یکسان است.

Xode čuq zadā a tu gordaš ke gordālaš pokid.

با چوب به پهلوی زدم که کلیه اش ترکید.

dišow xode bowāt raftey bidi owyāri?

دیشب با پدرت به آبیاری رفته بودی؟

diru tu kiče bāqe mimurti hasan xode selgeteš xordey bid zamin.

دیروز حسن در کوچه باغ میان موردی با موتورسیکلت زمین خورده بود.

صرف فعل

در گویش سیدانی ماده نقلی در زمان‌های گذشته التزامی و بعید، از بن ماضی و پسوند -ey ساخته می شود. بنابراین این زمان ها این گونه صرف می شوند:

veysākidey bidam

veysākidey bidim

veysākidey bidi

veysākidey bidin

veysākidey bid

veysākidey bidan

xowidey bidam/xowm raftey bid

xowidey bidim/ xowmun raftey bid

xowidey bidi/xowt raftey bid

xowidey bidin/ xowtun raftey bid

xowidey bid/ xowš raftey bid

xowidey bidā/ xowšun raftey bid

gerbidey bāšam

gerbidey bāšim

gerbidey bāši

gerbidey bāšin

gerbidey bāše

gerbidey bāšā

ارگاتیو در گویش سیدانی

در گویش سیدانی به نشانه‌هایی از ارگاتیو برمی‌خوریم که با این‌که احتمالاً یادگاری از زبان‌های باستانی ایرانی است ولی دارای تفاوت است. در این گویش در بخش مضارع استمراری نشانه‌هایی از ارگاتیو را تنها درباره‌ی اول شخص و دوم شخص می‌یابیم. برای نمونه:

دارم می‌گویم این را بردار

dari migi iye var do

باید توجه داشت که این نکته (ارگاتیو بودن در مضارع استمراری) در دیگر صرف‌ها به گونه‌ای دیگر است. برای نمونه:

دارم به او می‌گویم آن را بردار

dari azeš migi uwe var do

دارم به آنها می‌گویم آن را بردارید

dari azešun migi uwe var dārin

این‌که ویژگی ارگاتیو بازمانده در گویش سیدانی متفاوت است با آنچه در زبان های دوره میانه دیده می‌شود را می‌توان در این نمونه‌ها دید

فارسی میانه ترفانی:

Guft kum zamīg ud asmān, xwar ud māh, ā bud ādur, draxt ud urwar, dad ud
dām ašmā rāy afurīd. (acta 9, 74).

گفت که زمین و آسمان، خور و ماه، آب و آتش، درخت و گیاه، دد و دام، برای شما آفریدم.

پارتی ترفانی:

u-m winōh mār mānī puhf friyānag ō tō wisēδ kird...

و اینک پسر عزیز مار مانی را به سوی تو گسیل کردم... (رضایی باغ بیدی، ۱۳۸۸، ۱۴۵)

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در دوره میانه، ویژگی ارگاتیو برخلاف گویش سیدانی تنها در زمان ماضی به کار برده می‌شده است.

ارگاتیو در زبان سیوندی

ارگاتیو در زبان سیوندی نیز مشاهده می‌گردد. ولی این ویژگی زبانی، در سیوندی درست مانند ارگاتیو در زبان‌های دوره میانه با ارگاتیو در گویش سیدانی تفاوت‌هایی دارد.

برای نمونه:

حرف زدن

Gapem deyān gapemā deyān

Gapet deyān gapetā deyān

Gapeš deyān gapešā deyān

نان خوردن

Nānem mofārd nānemā mofārd

Nānet mofārd nānetā mofārd

Nāneš mofārd nānešā mofārd

یک ویژگی زبانی مشابه دیگر در سیدانی و سیوندی

همچنین در گویش سیدانی به یک ویژگی دیگر برمی‌خوریم که قابل توجه است و آن این است که به‌جای جمله‌های زیر که در واقع دارای اهمیت بالای برای گوینده هستند جمله‌هایی به‌کار می‌رود که آن‌ها را بی‌اهمیت نشان می‌دهد، مانند:

هر کاری می‌خواهی بکن

هر چیزی می‌خواهی بگو

هر جا می‌خواهی برو

این جمله‌ها به کار می‌روند:

هر کاری نمی‌خواهی بکن

har kāri namixey boko

هر چیزی نمی‌خواهی بگو

harči namixey bugu

هر جا نمی‌خواهی برو

harjo nemixey boro

همین ویژگی نیز در زبان سیوندی وجود دارد. همان نمونه‌ها:

هر کاری نمی‌خواهی بکن

har kāri namegāt beke

هر چیزی نمی خواهی بگو

harči namegāt bāš

هر جا نمی خواهی برو

hargoli nemegāt beši

در این گویش در صورتی که فرد از چیزی خوشش نیاید از جمله‌های زیر استفاده می‌کند:

بدم می‌آید badoman

بدت می‌آید badete

بدش می‌آید badeše

بدمان می‌آید badomunan

بدتان می‌آید badetonan

بدشان می‌آید badešune

واژه‌نامه

pišow	ادرار	ows	آبستن
gārešt	آروغ	sakal	استخوان
penje	انگشت	amokhte	عادت کردن
gond	بیضه	Jun, tane	بدن
čene	چانه	kāseysar	جمع‌مه
kowfe	سرفه	ba'čedun	رحم
gordāle	کلیه	zāni	زانو
balgak	لاله گوش	seqseqe	سکسکه

šāšdun	مثانه	low, lowlibir, owlowče	لب
āsak	دستاس	zir farmuni	سینی
sizān	سوزن خیاطی	merzeng	مژه
qem	قیف	dowri, labtaxt	بشقاب
šartin	کاسه	huluxordan	تاب بازی
qasiun	استفراغ	rowne	تابوت
owsin	وسیله باد دادن خرمن	āsak	ابزار سنگی خرد کردن حبوبات
kāsepošt	لاک پشت	gurkan	سمور
pet	پشم	xākeštari	ترش کردن معده
bijišk	گنجشک	endāxtā, bāreš rafte	سقط جنین
xāg	تخم پرنده	Xeftak, purmak	کپک روی غذا
benj	زنبور عسل	bowogutu	پدربزرگ
sowz	سبز	malaq	ملخ
So:l	آشتی	gow	واحد زمین کشاورزی
diye	دیگر	nax	یک تار مو
azendow	دوباره	baqal	یک دسته غله
pospiyāzi	صورتی	yečārak	یک چهارم من
dāreyi	ثروت	nimčārak	نصف چارک
Got, gap	بزرگ	gerbe	گریه
dur	دیر	dir	دور
dar	برون (بیرون)	pošidan	برخاستن
bidan	بودن	Jahandam	جهنم
permičidan	پژمردن	jelo	قدیم
Girā kerdan	روشن کردن	Owue golāl dādi	آب را ریختی؟
Derowšidan	لرزیدن	He	هست
sul	عقل	oftidan	افتادن
futur	شاهکار	ondāxtan	انداختن

qalun	الکی	veysākidan, veysidan	ایستادن
beši	بمیری	čulus	چوب نیمه سوخته
šever	آویزان، شل	Qādme, resmun	ریسمان

برخی واژگان مشترک سیدانی و زبان‌های شمال و شمال‌غرب ایران

برخی واژه‌ها در گویش سیدانی با زبان‌های شمال و شمال‌غرب ایران (اشمیت ۱۹۸۹) مشترک هستند و احتمالاً بخشی از این واژه‌ها در اثر تبادلاتی است که میان گویش سیدانی و سیوندی در درازای تاریخ وجود داشته. برخی از این واژه‌های به صورت مشترک از زبان فارسی در سیوندی و سیدانی وجود دارد که احتمالاً از طریق گویش سیدانی و گویش‌های روستاهای پیرامونی به زبان سیوندی وارد شده و برخی دیگر که با زبان‌های شمال و شمال‌غربی ایران مشترک است می‌توانند از دسته واژه‌هایی باشند که از زبان سیوندی یا دیگر زبان‌های شمال و شمال‌غرب به سیدانی وارد شده اند.

البته شمار این واژگان مشترک (به ویژه در میان گویش سیدانی و زبان سیوندی) بسیار زیاد است و یادکرد از همگی آن‌ها در چهارچوب این جستار نمی‌گنجد. در نتیجه به برخی از واژه‌های برگزیده بسنده می‌کنیم.

فارسی	سیدانی	سیوندی	آذری	گیلکی	مازندرانی	کردی	بلوچی	تالشی/تاتی
نازک، کم‌پشت	tonok	tonok					tanekk	
موش	mošk						mošk	
دهان	kap	kap	kap				dap	
گنجشک	bijišk	bonješk					bingišt	
دود	did	did					di	
کبک	kowg	kowg					kug	
یک	yak						yak	
برگ	balg	valg		balg (لاهیجانی)			balg	
صبحانه	nāšto	nāštey					nāštā	
کلید	kilil	kilil				kilil		
ایستادن	veysidan, veysikidan	veysakiyan	veysidan					
اذان	bong	vāng					bāng	
حرکت کردن	row kerdan	row kerdan						
فردا	sabo	sabā	sabā					
عصر، غروب	pasin	pasin	pasin					
لب	lowče					loč		

	hāyk				xāgene	xāg	تخم مرغ
			o		owa	ow	آب
			dir			dir	دور
					gerdan	gerbidan	گریستن
	kāpār				kapar	kapar	کپر
bun					bān	bun	پشت بام
Serd, sordā					sod	sot	نردبان
xertelāqe, xerta					xerxeruk	xerxuruk	گلو، حلق
Kuluk, kolk						kurik	کرچ
					bāāare	bowoarre	ناپدری

برخی واژگان مشترک سیوندی و سیدانی

سیدانی	سیوندی	فارسی
mičelle	mečelle	خریدار دارد
māzze	māzze	ماهیچه ستون فقرات
gāsam	gāsam	شاید
rājune	rājāne	رازیانه
bid	bi	بود
raxt	raxt	پوشاک، لباس
tu	tu	داخل، درون
miyun	miyān	وسط
num	nām	اسم
bextar	vehtar	بهتر
balg	valg	برگ
bune	bune	بهاه
jā	jā	رخت خواب
bijik	bejak	بگریز
bidam	biyam	بودم
bong	vāng	صدا

Veysikidey bidam	Veysike biyam	ایستاده بودم
Ši:šod (آمد)	Ši:šod (رفت)	رفت/آمد
tombidan	tombiya	فروریختن
rombidan	rombiya	فرو ریختن (خراب شدن)
ruxune	raxāne	رودخانه
ow	ow	آب
qodow	qodow	سوخته (جزغاله)
šow	šow	شب
borje	borje	پرچین
owsin	owsen	چنگک
owše	owšā	خانه (حیاط)
uso	usā	آنگاه
eškaft	eškaft	غار
nāxoš	nāxoš	مریض
dune	dāne	سرطان
janjāl	janjāl	شلوغ
xezmat	xezmat	خدمت
raxtak	raxtak	سیسمونی
juqan	jaqan	هاون
majak	majak	بادام کوهی
xer	xer	گلو
jerondan	jerondan	پاره کردن
let	let	نیمه، نصف
aduwe	aduwe	ادویه
tāk	tāk	تک، تنها
čārzāni	čārzāni	چهار زانو
sop	sop	سبد نان
garmsir	garmsir	قشلاق
benj	Benj	زنبور

	(لکوک ۱۳۸۳: ۵۷۴)	
dir	dir	دور
gutu	gutu	بزرگ
pati	pati	برهنه
eštow	eštow	شتاب، عجله
delankouz	delankouz	آویزان
čolongar	čelengar	آهنگر

چند واژه همانند با زبان انگلیسی

انگلیسی	سیدانی	فارسی
Blaze	boloze	شعله کشیدن، شعله ور شدن
Tall	tāl	بلندا
Guess	gās	حدس، گمان
Cow	gow	گاو
Cough	cofe	سرفه
Little	liter	کوچک

چند واژه همانند با فارسی میانه

برخی واژه ها در این گویش شکل فارسی میانه خود را تا به امروز حفظ کرده اند و به کار می روند. مانند:

persuk	پرستو
essedan	گرفتن
pasin	بعد از ظهر
dul	دلو آب
gordāle	کلیه
gās	حدس، گمان
duš	شانه

نتیجه‌گیری

در این پژوهش پس از ثبت و بررسی فهرست واژگان و دستور زبان سیدانی آشکار شد که گویش سیدانی در دستور زبان خود در مواردی با فارسی معیار تفاوت دارد و گویشی از شاخه‌ی زبان‌های جنوب غربی به‌شمار می‌آید. نشانه‌هایی از ارگاتیو و صرف اسم که دارای شباهت‌هایی با زبان‌های ایرانی باستان است در این گویش دیده می‌شود. همچنین با توجه به همجواری با سیوند، افزون بر دارا بودن گنجینه‌ی باارزشی از واژگان منحصر به فرد، دارای واژگان مشترک قابل توجه با زبان‌های ایرانی شاخه‌ی شمال و شمال‌غربی مانند سیوندی، بلوچی، گیلکی و آذری باستان است که از این دیدگاه برای زبان‌شناسان دارای اهمیت است. در شمار قابل توجهی از واژگان شکل فارسی میانه‌ی آنها حفظ شده و گاه به واژگانی برمی‌خوریم که با زبان انگلیسی یکسان و کم و بیش هم‌معنا هستند!.

همچنین در سنجش دو ویژگی دستورزبانی خاص گویش سیدانی با سیوندی، روشن شد که در ارگاتیو، دارای شباهت‌های اندک و در صرف اسم سیدانی دارای این ویژگی و سیوندی مانند زبان فارسی امروزی بدون این ویژگی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد نزدیکی شهر سیدان با سیوند باعث تاثیرپذیری این دو گویش از یکدیگر شده است.

منابع

- ۱- احمدی گیوی، حسن؛ انوری، حسن. دستور زبان فارسی. انتشارات فاطمی، ۱۳۸۳.
- ۲- قدردان، مهرداد. بررسی زبان شناختی و دستوری گویش زرتشتیان شریف آباد اردکان یزد. رخسید، ۱۳۸۶.
- ۳- اکبرزاده، داریوش؛ طاووسی، محمود. کتیبه‌های فارسی میانه (پهلوی ساسانی). نقش هستی، فرهیختگان هنرهای سنتی، ۱۳۸۵.
- ۴- اشمیت، رودریگر. راهنمای زبان‌های ایرانی (جلد دوم زبان‌های ایرانی نو). ترجمه آرمان بختیاری؛ عسکر بهرامی؛ حسن رضایی باغ‌بیدی؛ نگین صالحی نیا. ققنوس، ۱۳۸۳.
- ۵- رضایی باغ‌بیدی، حسن. راهنمای زبان پارتی (پهلوی اشکانی). ققنوس، ۱۳۸۸.
- ۶- یشت‌ها. ابراهیم پورداود. اساطیر، ۱۳۷۷.
- ۷- لکوک، پیر. ۱۳۸۳: «گویش‌های جنوب غرب ایران». راهنمای زبان‌های ایرانی. رودریگر اشمیت
- ۸- «سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، جمعیت تا سطح آبادی‌ها بر حسب سواد» . مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵.

- 1- Andreas, F.C., Christensen, A., Iranische Dialektaufzeichnungen aus dem Nachlass, von F.C.
- 2- Andreas. Zusammen mit Kaj Barr und W.B. Henning bearb. und hrsg. von Arthur Christensen: Erster Teil: *Sâ^a va«ndâ^a, ya«zdâ^a und so^a â^a*. Abhandlungen der Gesellschaft der Wissenschaften zu Göttingen.
- 3- Phil.-hist. kl., 3. Folge. B., 1939.
- 4- Lentz, W., "Die nordiranische Elemente in der neupersischen Literatursprache bei Firdosi. Zeitschrift für Indologie und Iranistik. Leipzig, 1926.
- 5- Meillet, A., Grammaire du vieux-perse. "e^o d., entièrement corrigée et augmentée par E. Benveniste, 1931
- 6- Mayrhofer, M., "Die Rekonstruktion des Medischen. Anzeiger der osterreichischen Akademie der Wissenschaften. Phil.-hist. kl: Jg. 1968 (105), N.1. Wien, 1969
- 7- Sprengling, M. Third Century Iran Sapor Kartir. *Orien. Ins. Un. Chicago*. 1953, p. 13.
- 8- "Ilât va 'ašāyer-e Irān," in *Komisiun-e melli-e Yune-sko dar Irān (UNESCO), Irān-šahr I*, Tehran, 1342 Š./1963, pp. 114-66.
- 9- Windfuhr, Gernot (1975), "Isoglosses: A Sketch on Persians and Parthians, Kurds and Medes", *Monumentum H.S. Nyberg II (Acta Iranica-5)*, Leiden: 457–471
- 10- Paul, Ludwig (2008). "Kurdish language I. History of the Kurdish language". In Yarshater, Ehsan. *Encyclopædia Iranica*. London and New York: Routledge. Retrieved 28 August 2013.
- 11- Schmitt, Rüdiger: "Compendium Linguarum Iranicarum". Reichert, Wiesbaden, 1989.